



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۲۶ مهر ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۳۸ \_ بررسی اختصاص عدم خوف و حزن به آخرت \_ مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۳  
 دلیل دیدگاه اول و بررسی آن \_ نتیجه  
 جلسه: ۴

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

### خلاصه جلسه گذشته

در آیه ۳۸ سوره بقره بعد از بیان امر به هبوط به آدم، حوا و ابلیس فرموده که پس چنانچه از جانب من هدایتی برای شما آمد، هر کسی که از این هدایت تبعیت کند، اثرش عدم خوف و حزن است. و کسانی که کفر بورزند و آیات ما را تکذیب کنند، اصحاب آتش اند و در آن جاودانه هستند.

رسیدیم به اینجا که اثر مهم برای پذیرش هدایت خداوند طبق این آیه، لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون است. سخن در این بود که این لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون، آیا اشاره به اثر اخروی تبعیت از هدایت و پیروی از هدایت الهی است، یعنی اختصاص به آخرت و معاد دارد، یا اعم از دنیا و آخرت است.

عرض کردیم دو دیدگاه وجود دارد، برخی معتقدند این مختص به آخرت است، و برخی بر این باورند که این هم شامل دنیا است و هم شامل آخرت.

### دلیل دیدگاه اول

اساس قول اول را فخر رازی در تفسیر کبیر فرموده<sup>۱</sup> و البته بعضی از بزرگان هم این را پذیرفته اند. منتهی فخر رازی قول به شمول را به عنوان یک اشکال مطرح کرده و یا به عنوان یک قول ضعیف دانسته و البته جواب هم داده است. ایشان می گوید: **فإن قيل، قوله فمن تبع هداي و لا هم يحزنون يقتضى نفى الخوف و الحزن مطلقا فى الدنيا و الآخرة.** ظاهر این است که عده ای می گویند این آیه اقتضا می کند که خوف حزن به طور کلی از مؤمن در دنیا و آخرت نفی شود. این به صورت یک قول ضعیف مطرح شده که یک توضیحی دارد. سپس خود فخر رازی می گوید: **قلنا قرائنُ الكلام تدلُّ على أن المرادَ نفيهما فى الآخرة لا فى الدنيا.** در حالی که قرائنی وجود دارد که دلالت می کند مراد نفی خوف و حزن در آخرت است نه دنیا.

پیرو این مطلب برخی از اساتید بزرگوار ما فرموده اند:<sup>۲</sup> مقتضای جمع بعضی از آیات و آیه محل بحث این است که وعده لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون مربوط به معاد است. یعنی این آیه را در نظر گرفته اند و یک سری آیات دیگر را هم

۱. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۲۸.

۲. تفسیر تسنیم، ج ۳، ص ۴۹۵.

ملاحظه کردند و گفتند این ظاهرش این است که کسی که از هدایت خدا تبعیت کند، خداوند به او وعده می‌دهد که در آخرت خوف و حزن نداشته باشد.

آن آیات، چند آیه است:

۱. در سوره اعراف خداوند تبارک و تعالی میفرماید: «ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه»<sup>۱</sup> پروردگارتان را با تضرع و خوف بخوانید. این خطاب به مسلمانان و مؤمنان است که در دنیا اینچنین باشید، پس معلوم می‌شود که در دنیا خوف هست.

۲. در سوره سجده میفرماید: «تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعا»<sup>۲</sup> اینها کسانی هستند که از بسترها بر می‌خیزند و در نیمه‌های شب خداوند تبارک و تعالی را خوفاً می‌خوانند. این برای دنیا است. تتجافی عن المضاجع اشاره به دنیا دارد.

۳. در برخی از آیات اساساً درباره خوف نسبت به خداوند آثاری ذکر کرده است. «و لمن خاف مقامَ ربّه جنتان»<sup>۳</sup> کسی که نسبت به مقام ربّ خوف داشته باشد، دو جنت در انتظار او است.

۴. در سوره نازعات میفرماید: «و أما من خاف مقامَ ربّه و نهى النفسَ عن الهوى فإنّ الجنةَ هی المأوی»<sup>۴</sup>.

این آیات همگی حکایت دارد از اینکه در این دنیا خوف هست و اساساً ما شنیدیم که انسان باید در مقابل خداوند بین خوف و رجاء باشد.

ایشان میفرماید: مقتضای جمع بین این آیات و آیه محل بحث این است که بگوییم آنچه که در اینجا وعده داده شده، مربوط به قیامت و معاد است. فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون را که نگاه می‌کنیم، می‌گوییم پس اینکه می‌گوید خوف و حزن نیست، باید مربوط به آخرت باشد. این می‌تواند به عنوان یک شاهد ذکر شود. البته آیات دیگری هم اینجا و در این رابطه وجود دارد که اشاره خواهیم کرد.

### بررسی دلیل

حال می‌خواهیم ببینیم به چه دلیل این لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون را مختص به معاد بدانیم. اینجا دو احتمال است: یکبار ما می‌گوییم به طور کلی عدمُ الخوف و عدمُ الحزن مختص به آخرت است و مربوط به این دنیا نیست. یکبار هم در خصوص این آیه و دلالت این آیه بحث می‌کنیم که اینجا لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون مختص به معاد است. اینها فرق می‌کند.

### احتمال اول

۱. سوره اعراف، آیه ۵۵.

۲. سوره سجده، آیه ۱۶.

۳. سوره الرحمن، آیه ۴۶.

۴. سوره نازعات، آیه ۴۰ و ۴۱.

احتمال اول این است که به طور کلی بگوییم عدم الخوف و عدم الحزن مربوط به آخرت است و اساسا در این دنیا خوف و حزن وجود دارد و کسی نمی‌تواند انکار کند، این فرق دارد با اینکه بگوییم این آیه فقط این دلالت را دارد. اینکه به صورت کلی بگوییم عدم الخوف و عدم الحزن مختص به آخرت است و آنها که می‌گویند آنچه که در این آیه گفته شده مربوط به معاد است، منظورشان خصوص این آیه نیست بلکه کلا می‌خواهند بگویند عدم الخوف و عدم الحزن مربوط به معاد و قیامت است. چون در این دنیا خوف و حزن هست. این با سخنان خودشان سازگار نیست.

اینکه ما اشاره کردیم استاد بزرگوار ما آیت الله جوادی آملی فرموده مقتضای جمع بین آن آیات و آیه محل بحث این است که این مربوط به معاد باشد، ظهور در این دارد که این به صورت کلی دارد می‌گوید و خصوص این آیه را نمی‌گوید، می‌خواهد بگوید یک سری از آیات اثبات می‌کند خوف که در این دنیا وجود دارند، مخصوص اولیاء و مؤمنان است. اینجا که نفی می‌کند، پس باید مربوط به آخرت باشد. مقتضای جمع بین آن آیات که اثبات حزن می‌کند با این آیه این است که ما این را مختص معاد بدانیم. ولی این با مطلب دیگری که خود ایشان در پایان همین بحث گفته سازگار نیست. ایشان در مورد آیه ۱۲۳ و ۱۲۴ سوره طاهها «فمن اتبع هدای فلا یضل و لا یشقی و من أعرض عن ذکری فإن له معیشة ضنکا» می‌گوید این معیشت ضنک، در واقع یعنی معیشت و زندگانی توأم با فشار، سختی، تنگنا و اندوه که همان حزن و خوف است؛ در مقابل آن آیه: «فمن تبع هدای لا یضل و لا یشقی»، اینجا می‌فرماید: فإن له معیشة ضنکا. با این بیان روشن می‌شود که پیروی از هدایت خدا موجب صیانت از خوف، حزن، ضلالت و شقاوت در دنیا و آخرت است و تمرد و تکذیب و اعراض از یاد و هدایت الهی معیشت ضنک و تنگ در همه نشئه‌ها را به همراه می‌آورد.<sup>۱</sup>

بالاخره اگر به صورت کلی بخواهد ادعا شود، چنانچه ایشان ادعا کرده که نفی خوف و حزن اختصاص به آخرت و معاد دارد، عرض کردم دو اشکال به ایشان وارد است. یکی اینکه آن جمله‌ای که خواندم که مقتضای جمع بین آن آیات و این آیه اقتضا می‌کند که اینجا مختص به معاد باشد، ظهور در این دارد که به صورت کلی مسئله دارد بررسی می‌شود نه خصوص این آیه. یعنی کأن می‌خواهند بگویند لا خوف علیهم و لا هم یحزنون اختصاص به آخرت دارد. این هر جا گفته شده مربوط به آخرت است. البته به عنوان اثر هدایت نه اینکه کلمه خوف و حزن هر کجا استعمال شد اینچنین باشد.

مشکل دیگر این است که اگر بخواهد کلی باشد، چطور در آیه ۱۲۳ و ۱۲۴ سوره اعراف ایشان تصریح می‌کند که پیروی از هدایت الهی موجب این می‌شود که انسان از خوف و حزن رهایی پیدا کند و اگر غیر از این عمل کند گرفتار خوف و حزن شود. این با هم سازگار نیست و خیلی معلوم نیست که بالاخره ایشان به طور کلی می‌خواهد بگوید یا که در این آیه اختصاص به آخرت دارد که اگر اینچنین باشد، این دو هم با هم سازگار نیست و اشکالاتش را عرض کردیم.

## احتمال دوم

۱. تفسیر تسنیم، ص ۵۰۱.

اگر هم بخواهد بگوید خصوص این آیه، یعنی اینجا لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون فقط اشاره به آن اثر اخروی پیروی از هدایت الهی دارد، اینجا نیازی نبود که به جمع بین آن آیات و این آیه بپردازد و این را نتیجه مقتضای جمع بین آن آیات و این آیه بداند. خیر اینجا مثلا می‌توانست به قرینه آیه بعد تمسک کند و بگوید چون آیه ۳۹ اشاره به آثار اخروی و معاد دارد، پس این هم مربوط به معاد است. بر این اساس دیگر در اینکه اینجا اختصاص به معاد پیدا کند، خیلی محدودی پیش نمی‌آید.

اما اینکه به طور کلی بگوییم عدمُ الخوف و الحزن به عنوان یک اثر مختص به قیامت و مربوط به معاد در قرآن ذکر می‌شود، این را قطعاً نمی‌توانیم قبول کنیم، برای اینکه می‌بینیم خداوند متعال این تعبیر را در مواردی به عنوان وعده برای آخرت ذکر کرده، در مواردی هم مربوط به دنیا هم هست. یعنی هم دنیا و هم آخرت.

مثلا در برخی از موارد روشن است که این اشاره به قیامت دارد، مانند این آیه: «یا عباد لا خوفٌ علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون»<sup>۱</sup> یعنی اینجا اندوهگین نباشید، خوفی در شما راه ندارد؛ اینجا معلوم است که این آیه مربوط به قیامت است. از ظاهر برخی آیات معلوم می‌شود که دارد خوف و حزن را در آخرت نفی می‌کند گرچه قابل حمل بر دنیا هم هست. مثل: «إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات و أقاموا الصلاة و أتوا الزکاة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون». اینکه می‌گوید پاداش اینها نزد خداست، بیشتر به معاد و قیامت می‌خورد. و لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون هم اشاره به یکی از همان آثار و پاداش های اعمال اینها است که در آخرت ظاهر می‌شود در عین اینکه ممکن است اشاره به معنای عامی داشته باشد، یعنی هم در دنیا و هم در آخرت. کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند، اقامه نماز و اتیان به زکات داشته باشند، پاداششان نزد خداوند محفوظ است و خوف و حزنی در آنها وجود ندارد، هم در این دنیا و هم در آخرت.

یا مثلا این آیه: «إن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون»<sup>۲</sup> این وعده ای برای آخرت نیست چون می‌گوید کسانی که خدا را بخوانند و بعد استقامت کنند، لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون. یعنی حداقل در همین دنیا خوف و حزنی ندارند ولی اگر آخرت را هم در بر بگیرد مانعی ندارد.

### نتیجه

لذا اینکه بخواهیم لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون را به نوعی منحصر به معاد کنیم و بگوییم این اختصاص به معاد دارد و اثر اخروی تبعیت از هدایت الهی است، به صورت کلی نمی‌توان چنین گفت و نقض های فراوانی از خود قرآن دارد و اساسا قابل پذیرش نیست.

۱. سوره زخرف، آیه ۶۸.

۲. سوره احقاف، آیه ۱۳.

اما اینکه در خصوص خود این آیه بگوییم، طبیعتاً آن شواهدی که برخی به آن استناد کرده اند باید کنار برود و به شاهد دیگری اشاره شود. اگر چه گمان ما این است که حتی در همین آیه هم هیچ محذوری ندارد اگر لا خوفٌ علیهم و لا هم هم یحزنون را محصور به آخرت ندانیم و شامل دنیا هم بدانیم و خداوند به عنوان یک اثر مطلق ذکر کرده که اگر کسی تبعیت از هدایت الهی کند اثرش این است.

ظاهر عبارت فخر رازی این است که می‌خواهد به طور کلی بگوید آنچه اینجا نفی شده، خوف و حزن در آخرت است. شاهدی که ذکر کرده این است: **و لذلک حکى الله عنهم أنهم قالوا حين دخلوا الجنة الحمد لله الذى اذهب أن الحزم إن ربنا لغفورٌ شکور.** یعنی حمد خدایی را که از ما خوف و حزن و هر چه را که در آن غم و اندوه هست، از ما دور کرد و این نتیجه آن کار هاست.

لذا ظاهر این است که می‌خواهد بگوید به طور کلی کأن خوف و حزن در آخرت به طور کلی نفی می‌شود، و الا در دنیا قابل نفی نیست.

### **بحث جلسه آینده**

حال سوال این است که چطور می‌شود خداوند متعال از یک طرف نفی خوف و حزن می‌کند برای فرمان برداران و پیروان راه خودش، تبعیت کنندگان از هدایت الهی، از طرف دیگر هم بعضی از این آیات دارد که خوف از خدا در این دنیا نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح است.

ممکن است کسی این سوال را مطرح کند و بگوید شما که می‌گویید نفی خوف و حزن هم در دنیا و هم در آخرت به عنوان اثر هدایت الهی و تبعیت مطرح است، پس چطور می‌بینیم که در دنیا این به عنوان یک واقعیت هست و نه تنها خداوند این را به رسمیت شناخته بلکه تاکید می‌کند که باید این خوف باشد. اینکه چطور اینها با هم قابل جمع است را انشاءالله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»